

آیه ۴۴-۴۵

آیه و ترجمه

و نادى اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظلمين ۴۴  
الذين يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجا و هم بالاخرة كفرون ۴۵  
ترجمه :

۴۴ - و بهشتیان به دوزخیان صدا میزنند که ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود همه را حق یافتیم، آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟! در این هنگام ندا دهنده‌ای در میان آنها ندا می‌دهد که لعنت خدا بر ستمگران باد!

۴۵ - همانها که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند و (با القای شبهات) می‌خواهند آنرا کج و معوج نشان دهند و آنان به آخرت کافر هستند

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷۹

تفسیر :

پس از بحثی که در آیات گذشته پیرامون سرنوشت بهشتیان و دوزخیان بیان شد، در این آیات اشارهای به گفتگوی این دو گروه با هم در آن جهان شده است، و از آن استفاده می‌شود که بهشتیان و دوزخیان از محل خود میتوانند با یکدیگر سخن بگویند.

نخست می‌گوید: «بهشتیان، دوزخیان را مخاطب ساخته و صدامی زنند که ما وعده پروردگار خویش را حق یافتیم، آیا شما هم به آنچه خدا به وسیله فرستادگانش وعده داده بود، رسیدید؟!» (و نادى اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا).

«و آنها در پاسخ می‌گویند آری، همه را عین حقیقت دیدیم (قالوا نعم).

باید توجه داشت با اینکه «نادی» فعل ماضی است، در اینجا معنی مضارع را می‌بخشد، و اینگونه تعبیر در قرآن فراوان است که حوادث قطعی آینده را با فعل ماضی ذکر می‌کند و این یکنوع تاکید محسوب می‌شود، یعنی آینده چنان روشن است که گوئی در گذشته روی داده است.

ضمناً تعبیر به «نادی» که معمولاً برای فاصله دور است، روشن‌گر بعد مسافت مقامی یا مکانی میان این دو گروه است. در اینجا ممکن است سؤال شود گفتگوهای این دو گروه چه فایده‌ای دارد، با اینکه خودشان پاسخ آن را می‌دانند؟ ولی جواب آن معلوم است، زیرا سؤال همیشه برای افزایش معلومات نیست، بلکه گاهی جنبه ملامت و سرزنش و توبیخ دارد، و در اینجا چنین است، در واقع این خود یکی از کیفرهای گنهکاران و ستم‌پیشگانی است که وقتی دنیا به کامشان

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۰

بود، با ملامتها و سرزنشها، روح افراد با ایمان را می‌آزردند، در آنجا باید کیفر آن را به عنوان نتیجه عمل ببینند، نظیر این موضوع در سوره‌های مختلف قرآن از جمله در آخر سوره مطففین آمده است. سپس اضافه می‌کند «در این هنگام گوینده‌ای، ندا در می‌دهد (آنچنان که صدای او به گوش همگان می‌رسد) که لعنت خدا بر ستمگران باد! (فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله على الظالمين). سپس ستمگران را چنین معرفی می‌کند: «همانها که مردم را از راه راست باز داشتند و با تبلیغات مسموم و زهرآگین خود، ایجاد شک و تردید در ریشه‌های عقائد مردم کردند و جاده مستقیم الهی را کج و معوج نشان دادند، و به سرای دیگر نیز ایمان نداشتند» (الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً و هم بالآخرة کافرون). از آیه فوق بار دیگر این حقیقت استفاده می‌شود که همه انحرافات و مفاصد در مفهوم ظلم و ستم جمع است و ظالم مفهوم وسیعی دارد که تمام گنهکاران، مخصوصاً گمراهان گمراه کننده را در بر می‌گیرد.

#### این ندا دهنده کیست؟

در اینکه این مؤذن (ندا دهنده) که صدای او را همگان می‌شنوند و در حقیقت، سیطره تفوقی بر همه آنها دارد کیست؟ از آیه چیزی استفاده نمی‌شود،

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۱

ولی در روایات اسلامی که در تفسیر و توضیح آیه فوق آمده است، غالباً به امیر

مؤمنان علی (علیه السلام) تفسیر شده است.  
حاکم ابوالقاسم حسکانی که از دانشمندان اهل سنت است به سند خود از محمد حنفیه از علی (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: انا ذالک المؤذن: آنکه این ندا را در می دهد منم و همچنین به سند خود از ابن عباس نقل می کند که علی (علیه السلام) در قرآن نامهایی دارد که مردم آنها را نمی دانند، از جمله مؤذن در آیه شریفه فاذن مؤذن بینهم: «علی است که این ندا را در می دهد و می گوید» الا لعنة علی الذین کذبوا بولایتی و استخفوا بحقی: «لعنت خدا بر آنها باد که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا کوچک شمردند.»

از طرق شیعه نیز روایات متعددی در این زمینه وارد شده است، از جمله اینکه صدوق با سند خود از امام باقر نقل می کند که امیر مومنان علی (علیه السلام) به هنگام بازگشت از میدان جنگ نهروان، مطلع شد که معاویه آشکارا او را دشنام می دهد و یارانش را به قتل می رساند، حضرت برخاست و خطابه های ایراد کرد و در ضمن فرمود: «نداده در دنیا و آخرت منم همانگونه که خداوند می فرماید: فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی الظالمین، من آن مؤذن رستاخیزم، و نیز می فرماید و اذان من الله و رسوله (به هنگام حج باید از طرف خدا و پیامبر این صدا به گوش همه مردم برسد ...) آن مؤذن نیز من بودم. ما فکر می کنیم علت اینکه امیر مومنان علی (علیه السلام) به عنوان مؤذن و ندا دهنده در آن روز انتخاب می شود، این است که او لا در دنیا نیز این منصب را از طرف خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشت زیرا پس از فتح مکه مأموریت پیدا کرد که سوره براءت را در

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۸۲

موسم حج با صدای رسا برای همه مردم بخواند و اعلام دارد و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله: «این ندائی است از طرف خداوند و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر که خدا و رسولش از مشرکان بی زارند».

ثانیا موقف علی (علیه السلام) در تمام طول زندگی موقف مبارزه با ظلم و ستم و درگیری مداوم با ظالمان و ستمگران بود، آنچنان که حمایت از مظلوم و دشمنی با ظالم در تمام فرازهای تاریخ زندگیش - با توجه به شرائط خاص

عصرش - می درخشد، مگر نه این است که زندگی در جهان دیگر یکنوع تجسم بزرگ و تکامل یافته از زندگی انسانها در این جهان است بنابراین چه جای تعجب که موذن آن روز یعنی آن کس که ندای لعن بر ظالمان را در میان بهشت و دوزخ از طرف خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سرمی دهد علی (علیه السلام) باشد.

از آنچه گفتیم پاسخ نویسنده المنار روشن می شود، که در فضیلت بودن این مقام برای علی (علیه السلام) تردید می کند و می گوید: «معلوم نیست که این کار برای او فضیلتی باشد»!

باید گفت همانطور که نمایندگی از سوی پیامبر در مراسم حج و ابلاغ سوره براءة یکی از بزرگترین افتخارات او محسوب می شود، و همانطور که مبارزه با ظالمان و ستمگران از برجسته ترین فضائل او است، تصدی این منصب در قیامت که دنباله همان برنامه است نیز فضیلت آشکاری محسوب می شود. و نیز از آنچه گفتیم پاسخ «آلوسی» نویسنده تفسیر «روح المعانی» که می گوید: صدور این احادیث از طرق اهل سنت ثابت نیست روشن گردید، زیرا همانطور که دانستیم این حدیث را دانشمندان اهل تسنن و شیعه هر دو در کتابهای خود آورده اند.